



۲۰۱۹/۰۴/۰۶

عبدالقیوم میرزاده

گفتار اخیر ترامپ یاوه سرایی است؟

مؤرخ ۳ اپریل ۲۰۱۹ هلند



دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در ملاقات مؤرخ ۳ اپریل اش با بنس ستولتنبرگ سرمنشی سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) که برای اشتراک در مراسم بزرگداشت از هفتاد سالگی این سازمان جنگی به واشنگتن رفته است در باره جنگ افغانستان و قیحانه گفت: "جنگ بی پایان افغانستان ۱۹ ساله شد این جنگ تأسفبار و در بسا حالات مضحک است". که ستولتنبرگ در جواب این بیان ترامپ در سخنرانی خویش برای اعضای کنگره امریکا در مقر کنگره بیان داشت: " بدون حفظ دستاوردهای ۱۷ سال اخیر در افغانستان، هیچ صلحی در این کشور پایدار نخواهد بود." افغانستان پس از فروپاشی طالبان، راه طولانی را در راستای تأمین حقوق زنان پیموده است که در هر نوع توافق صلح با طالبان، باید به آن احترام شود. ... ناتو از روند صلح و مصالحه افغانی حمایت می کند... ولی برای اینکه صلح پایدار باشد، باید بر دستاوردهای ما استوار باشد... ناتو شرایطی را برای پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی در افغانستان فراهم کرد و آموزش و حقوق بشر را به زنان و دختران آورد. حقوق آنها باید حفظ شود. امریکا و ناتو یکجا به افغانستان رفته اند و در مورد آینده این مأموریت نیز با هم تصمیم خواهند گرفت. برای مبارزه با تیروریزم و تهدیدهایی که از این ناحیه متوجه آزادی و دیموکراسی در جهان است، نیاز است تا پیمان ناتو بیش از این تقویت شود. پیمان ناتو از زمان تأسیس تا حالا موفقانه عمل کرده، اما موفقیت در گذشته، به معنای تضمین موفقیت در آینده نیست. ما در گذشته بر اختلاف نظرات خود فایق آمده ایم و نیاز داریم که در آینده نیز چنین کنیم. چون ما به اتحاد خود در آینده بیشتر از این نیاز خواهیم داشت." قبل از آنکه در باره جنگ افغانستان و این گفته ترامپ بررسی و توضیحی بنگارم در طول اندکی بیش از دو سال ریاست جمهوری ترامپ به نظریاتش در باره جنگ افغانستان توجه بفرمایید:

ترامپ حتی قبل از ریاست جمهوری اش در کارزار تبلیغاتی برای انتخابات ریاست جمهوری اش موجودیت قوای امریکا در افغانستان را بیهوده و جنگ افغانستان را بی حاصل توصیف کرده بود و حتی در همانزمان هم طی توییتی نوشته بود که سربازان ما از این جنگ بیهوده باز گردانده شود و مطلبی که از همانزمان در دیدگاه های رئیس جمهور امریکا مشهود بود همانا غیبت مسئله افغانستان در سیاست های مطروحه اش در کارزار تبلیغاتی برای ریاست جمهوری بود. اما موصوف بعد از پیروزی در انتخابات در زیر فشار نظامیان امریکایی که اطلاعات در باره چگونگی فعالیت امریکاییان در جنگ افغانستان را برایش جمع آوری میکردند و سناتوران جمهوری خواه خاصاً جان مک کین با سفر هایش به افغانستان و منطقه به ترامپ نظر داد که: " تاریخ نشان داده که طرف های جنگ زمانی بر میز مذاکره حاضر می شوند که متوجه باخت خود شوند. برای کشاندن پای طالبان و شبکه حقانی به میز مذاکره، باید توان حملاتی این گروهها بر شهرها از آنها گرفته شود و در عین زمان، موضع و

پایگاه‌های آنها مورد حمله قرار گیرد" در اکتوبر سال ۲۰۱۷ ستراتیژی جدید امریکا برای جنگ افغانستان را اعلام و طی آن تصریح شده بود که نیرو های امریکا در افغانستان بدون کدام جدول زمانی باقی خواهند ماند و در این ستراتیژی بر عوامل فشار بالای پاکستان برای قطع حمایت از تروریست ها نیز تأکیدی به عمل آمده بود. او همچنان کمی بعد تر از اعلام ستراتیژی جدید امریکا در یکی از توییت های خود نوشت "برای جلوگیری از سقوط افغانستان بدست طالبان ممکن است قوای ایالات متحده امریکا برای همیشه در افغانستان باقی بماند" اما در دسامبر ۲۰۱۸ بصورت ناگهانی در میان حیرت جامعه جهانی بدون در نظر داشت همان ستراتیژی جدید تصمیم بر خروج نیمی از قوایش از افغانستان را اعلام کرد. استعفای جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا بیان صریح مخالفت نظامیان امریکایی و یا بهتر است بگوییم بخشی از نظامیان امریکایی با طرح های ترامپ و حامیان نظامی اش در قبال ستراتیژی های سیطره جویانه امریکا میباشد. و در میان غیر نظامیان امریکایی بیانات لیندزی گراهام سناتور جمهوری خواه خروج قوای امریکا از افغانستان را ستراتیژی خطرناک توصیف کرده و اضافه کرده است که ما به سمتی میرویم که تمام دستاورد های خویش را از دست می‌دهیم و این مسیر به یازدهم سپتامبر دوم منتهی میگردد. همچنان مایک کوگلن معاون اداره تحقیقات آسیای مرکز تحقیقاتی ویلسن امریکا نیز خروج امریکا از افغانستان را به معنی پیروزی طالبان و شکست امریکا در این جنگ دانسته و متذکر شده است که حتی اگر امریکا از راه مذاکره هم در قبال طالبان خروجش را بپذیرد به معنی شکست امریکا در این لشکر کشی میباشد. همچنان ترامپ در صحبت تیلیفونی که به مناسبت عید میلاد مسیح با سربازان امریکایی مستقر در افغانستان داشت گفت: "ما در حال مذاکره بسیار قوی در افغانستان هستیم که بسیاری از مردم در باره آن هیچی نمیدانند..... ما نمیدانیم که این روند موفق میشود یا نه؟ کسی نمیداند. اگر چیزی اتفاق بیافتد، عالی خواهد بود و من بسیار خوشحال میشوم". او همچنان به تاریخ ۳ جنوری سال روان در یک جلسه کابینه ایالات متحده امریکا این سؤال را در برابر حکومت امریکا مطرح کرد که: "چرا کشورهای منطقه به جای ایالات متحده امریکا در افغانستان نمی‌جنگند؟ هند، روسیه و پاکستان باید در افغانستان بجنگند. چرا ما در آنجا هستیم، ۶۰۰۰ مایل دورتر از افغانستان؟" البته که من در این جا غرض اختصار سخن از نظریات فراوان سایر نظریه پردازان امریکایی را در قبال مسایل جنگ افغانستان و چگونگی موجودیت قوای امریکایی در کشور ما که با نظریات ترامپ همخوانی ندارند ذکر نکرده‌ام، اما از تحلیل این همه بیانات و نظریات ارائه شده آنچه در نگاه اول مشهود است دوگانگی و تقابل دو نظر متضاد در دستگاه اداره ایالات متحده امریکا و مراجع سیاستگزاری آنکشور میباشد و نا آگاهی رئیس جمهور از سیاست های پنهان در چوکات ستراتیژی های امریکا برای مسایل بین المللی میباشد که جولان رئیس جمهور در میان این دو سیاست متضاد که او را به مسخره ای تبدیل کرده که تقریباً همه روزه اداره ریاست جمهوری مصروف تفسیر، توضیح و تصحیح بیانات متضاد و توییت های وی میباشد کاملاً هویدا میباشد. فعالیت های خلیل زاد در این راستا حکایت گر بعد نزدیک سازی دو نظر حاکم در اداره امریکا را در قبال مسایل افغانستان میرساند اگر ایالات متحده امریکا قوایش را از افغانستان طبق نظر ترامپ قسماً بر گرداند نیروی تضمین کننده برای تحقق ستراتیژی هایش در این منطقه داشته باشد، آنچه برای کشور ما بسیار خطرناک و حیثیت حیاتی دارد این است که نیروی تضمین کننده امریکا یعنی طالبان دست پرورده و قسم یاد کرده پاکستان اند که با تمام نیرو و امکاناتش از وضع ایجاد شده برای منافع دراز مدتش در منطقه و افغانستان بهره برداری میکند، اگر رئیس جمهور امریکا و تیم نظریاتی اش به این باور رسیده اند که دیگر پرداخت مخارج جنگ افغانستان بر دوش مالیه دهندگان امریکایی سنگینی میکند و بایبست قوایش از افغانستان خارج گردانیده شود، پس چرا خلیل زاد را گماشته اند تا حکومت طالب را دوباره بر مردم ما یا بصورت کامل و یا قسمی تحمیل کنند؟ خلیل زادی که در راه منافع کمپنی های نفتی یونیکال و براباداس در سال ۱۹۹۶ طالبان این گروه تروریستی متحجر ساخت سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI را بر سر نوشت مردم ما حاکم ساخت و در سال ۲۰۰۱ بنابر اقتضای ستراتیژیک آنها را مسؤل فرو ریختاندن برج های دو گانه نیویارک به جهانیان معرفی کرده و از زمین و هوا بر آن تاخته و یکعهده از نیروهای کار آمدش را به گوانتانامو و عده دیگر را به کوبته و پشاور پاکستان انتقال دادند و در عوض بیش از یک میلیون انسانهای بی بند و بار، دزد و

قطاع الطريق را مسلح ساخته و بر سرنوشت مردم ما حاکم ساختند و در طول این نژده سال چه بلا هایی نبود که بر سر مردم ما نیاوردند و حالا ورق دوباره برگشته و همان سازمان تروریستی که تا این دم در لیست تروریسم بین المللی سازمان ملل متحد قید میباشند به شریک ستراتیژیک تبدیل گشته و مدت هاست که با ایشان مشغول مذاکره میباشند. و در همین راستا مضحک خواندن جنگ تحمیلی که از چهار دهه بدینسو از جانب همین سیاستگذاران جهانخوار، متحدین و سلف شان بر کشور و مردم ما تحمیل گردیده است و در نتیجه برای مردم ما میلیون ها قربانی و نابودی همه زیربنا های کشور ما را در قبال داشته بسیار وقیحانه و دور از تمام نورم های حقوق بشری میباشد. آنها در عوض اینکه سر تعظیم به ملت افغانستان و قربانیان این تجاوزات صریح بر کشور و مردم ما فرود آورند آنرا مضحک میدانند. این سیطره گران در جریان بازی بزرگ شان با رقبای بین المللی کشور ما را آماج دهشت و وحشت مجاهد، طالب، داعش و سایر متعصبین سیاسی، ملی و مذهبی قرار دادند و از بیسوادی و نا آگاهی مردم ما برای سیطره جویی های درازمدت شان بهره برداری سوء کرده و تا توانستند تخم نفاق و برادر کشی را کاشتند و حالا که منطقه را به آتش تبدیل کردند، بوسیله هلیکوپتر های شان داعشیان را به محلات مورد نظر شان جابجا کردند، قدرت دفاعی کشور ما را به نازل ترین سطح آن در برابر تجاوزات خارجی رسانیدند و انفطاب های بزرگ ملی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی را بر مردم ما تحمیل کردند داد بیهوده بودن جنگ را نوحه سرایی میکنند. آنها به این پرسش مردم در برابر نظریات زلمی خلیل زاد در مصاحبه با رادیوی آزادی به تأریخ سوم اپریل تجربه حکومت های دهه ۱۹۸۰ و حکومت های مجاهدین و طالبان در دهه ۱۹۹۰ همه ناکام بودند چه جواب دارند که کی ها و با چه اهدافی این حکومت ها را با صرف میلیارد ها دالر بر مردم ما تحمیل کردند؟ در این مصاحبه زلمی خلیل زاد با رادیوی آزادی همچنان تلویحاً جلسه طالبان در ماسکو را منحيث تلاش های منطوقی برای تأمین صلح در افغانستان مورد تأیید قرار داده یاد آور شد که: " تلاشهای پاکستان و روسیه را مثبت ارزیابی میکنم و امریکا در صدد انحصار دیپلوماسی روند صلح افغانستان نیست و ما از تلاشهای منطوقی برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان پشتیبانی میکنیم."

از ارزیابی این همه تجاوزات پنهان و آشکار، نفاق افگنی های سیاسی، ملی، مذهبی، جفا ها، بی حرمتی نسبت به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و با سوء استفاده از زور و موقف بین المللی غرض جلوگیری خصمانه از حق مردم ما برای تعیین سرنوشت شان به چنین استنباط میرسیم که عامل و یا عومل را در خود فروشی و وسیله قرار گرفتن عناصر داخلی نوکرمش، نازل بودن سطح درک مردم و حلقات سیاسی و اجتماعی از منافع ملی و تزلزل عناصر داخل حکومت و اجزای حکومت که از هر دو عامل و یا فکتور یاد شده متأثر میباشند جست و جو کرد. در شرایط حاضر که واقعاً حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و دستاورد های دیموکراتیک که به قیمت خون میلیون ها باشنده این سرزمین بدست آمده است لازم بر این است تا همه ملت چون یک تن واحد در برابر این همه تجاوزات و بی حرمتی ها در کنار دولت خویش ایستاده و با صدای رسا به جهانیان برسانند که تعیین سرنوشت مردم ما وظیفه کشور های خارجی نه بلکه وظیفه مردم افغانستان میباشد. همکاری های بین المللی ما بر پایه منافع جانبین بایبست استوار باشد نه اینکه ذلت، خواری و محرومیت از آزادی های فردی و اجتماعی را به نام صلح بر ما تحمیل کرده و اهانت ها را بر ما روا دارند.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف

گفتار اخیر ترامپ پاوه سرایی است
Mirzada_a_q_goftaar_tromp_yaawa_saraaiist.pdf